

گوناگون

شش استاد از حراج تهران گفتند

رویدادی اقتصادی با شاکله فرهنگی



● پنجمین حراج تهران با رکورد فروش ۲۵میلیارد و ۳۶۲میلیون تومانی و نیز ارائه شش اثر بالای یک میلیارد تومان، پنجاه‌ای تازه به روی بازار هنر ایران گشود. ۲۰ روز پس از برگزاری این رویداد ملی، شش استاد هنرهای تجسمی هریک از زوایای خاص خود، دیدگاه‌شان را درباره این حراج بیان کرده‌اند. نصرالله افجه‌ای، هنرمند صاحب‌سبک خوشنویسی و نقاشی خط که اثر معنارای او به مبلغ ۱۲۰ میلیون تومان در پنجمین حراج تهران چکش خورد، با بیان اینکه برگزاری حراج تهران مانند همه حراج‌های دنیا امری منطقی، لازم و بدیهی است، می‌گوید: به این اتفاق خوش‌بین هستم و افزود: در هر دوره من کاری برای حضور در حراج آماده کردم، نکته مهم در حراج‌ها توجه به مسئله عرضه و تقاضاست.

علی شیرازی، هنرمند پیشگام نقاشی خط که اثری از او در این دوره حضور نداشت، حراج تهران را بسیار مثبت ارزیابی کرد: «قبل از برگزاری حراج تهران حرکتی شبیه به آن را هرگز نداشتیم و همین نکته این تذکر را می‌دهد که باید از این اتفاق نوظهور حمایت کرد». اما منوچهر نیاززی، هنرمند پیش‌کسوت نقاشی، معتقد است که صادرات آثار هنری می‌تواند روزی جای صادرات نفت را بگیرد. او گفت: «درحالی‌که حراج تهران را رویدادی اقتصادی می‌بینند، من شاکله آن را فرهنگی می‌دانم». جلیل رسولی، هنرمند صاحب‌سبک نقاشی خط که تابلوی اکریلیک و رنگ و روغن روی بوم او با نام «درخت دوستی» به مبلغ ۲۴۰ میلیون تومان به فروش رسید، برگزاری این حراج هنری را در مجموع مثبت ارزیابی کرده و می‌گوید: این اقدام در رشد و تعالی هنر درخو توجه است، کیخسرو خروش، دیگر نقاشی است که منظره‌ای از او به مبلغ ۹۵ میلیون تومان در حراج تهران فروخته شد. او درباره این اثر گفت: «این تابلو را ۳۵ سال پیش به یک مجموعه‌دار فروختم و حالا بار دیگر در حراج تهران فروخته شد. به نظر من هنرمند به قصد حراج کار نمی‌کند؛ بلکه برای رضایت خود و مخاطبش کار می‌کند». علی‌اکبر صادقی که با تابلوی پنج‌لته‌ای به نام شکار حیوانات در حراج تهران شرکت داشت و اثر او به مبلغ ۴۵۰ میلیون تومان به فروش رسید، با بیان اینکه حراج تهران تأثیر فوق‌العاده‌ای داشته است، گفت: از اولین دوره حراج تا به حال شاهد تفاوت‌های زیادی هستیم و قیمت آثار خیلی بالاتر رفته است؛ هرچند در مقیاس جهانی هنوز ارزش مالی آثار ما بسیار پایین‌تر از آن چیزی است که در حراج‌های خارجی شاهد هستیم. البته من تابه‌حال در هیچ حراج خارجی‌ای شرکت نکرده‌ام؛ اما در حراج تهران به خاطر ایرانی‌بودن آن شرکت می‌کنم.

رونمایی از «تونیمادی بهنگام جای تو سر شب آمد»



● مجموعه شعر «تو نیمادی بهنگام جای تو سر شب آمد» حای شعرهای از مهدی نوید است با فضاسازی‌هایی از شهرزاد چنگلویی‌که به به همت نشر بن‌گاه منتشر شده، شهرزاد چنگلویی‌دانش آموخته رشته مجسمه‌سازی از دانشگاه پیل است و این رونمایی در اولین نمایشگاه انفرادی او در ایران با عنوان «به یک رودخانه نمی‌توان دوبار» در «ا گالری» برگزار می‌شود. نمایشگاه حاصل زکریه کارهای سه‌سال اخیر چنگلویی است که شامل ویدئو، چیدمان و عکس است. مهدی نوید مترجم آثاری از ساموئل بکت و ریچارد برانتیانگ است و این نخستین مجموعه شعر او محسوب می‌شود. نمایشگاه تا اول تیر در «ا گالری»، واقع در خیابان استاد نجات‌اللهی، کوچه خسرو، پلاک ۴۶ ادامه دارد.

آگهی دعوت مجمع عمومی انجمن صنفی کارگري کارگردانان سینمای مستند استان تهران

اولین مجمع عمومی انجمن صنفی در شرف تأسیس مذکور روز چهارشنبه مورخ ۹۵/۴/۲۳ ساعت ۱۴ در محل خانه سینما به آدرس: تهران خیابان بهار جنوبی- خیابان بهار - پلاک ۲۹ سالن سیف الله داد خانه سینما برگزار می گردد.

از کلیه کارگردانان سینما مستند عضو و شاغل صنف مربوطه دعوت می‌شود. در جلسه مذکور شرکت نمایند.

ضمنا افرادی که مایل به عضویت در هیئت مدیره و یا بازرس می باشند تقاضای کتبی خود را تا ۲۴ ساعت قبل از برگزاری مجمع تحویل هیئت موسس نموده و رسید دریافت نمایند.

دستور جلسه

– تصویب اساسنامه

– انتخاب اعضا، اصلی هیئت مدیره و بازرس

هیئت موسس

محمد تهامی نژاد ، ابراهیم مختاری ، پیروز کلاتیری ، ناهید رضایی ، مجتبی میرتھاسب ، غلامرضا کتال

شرق: مدرسه‌ها در کشور‌های صاحب‌سینما مانند مدرسه جولیارد نیویورک، مدرسه سینمایی ایدک، مدارس فیلم‌سازی یواس‌سی و... نقش مهمی در تربیت فیلم‌سازان خلاق داشته‌اند. تأسیس مدرسه ملی سینما در ایران برای نخستین بار را باید به فال نیک گرفت؛ چون ساختار مدرسه با نظام‌های آموزشی دانشگاهی و آموزشگاهی تفاوت‌هایی دارد. به همین مناسبت با کامبوزیا پرتوسی، مدیر دبارتان فیلم‌نامه‌نویسی این مدرسه، گفت‌وگو کردیم.

۴ هنوز خیلی‌ها آشنایی دقیقی با مدرسه ملی سینمای ایران ندارند. تعریف شما از این مدرسه نوپا چیست؟

گامی که در تأسیس مدرسه ملی سینما برداشته شد، بسیار مثبت بود. اصلا هر توان آموزشی‌ای که به وجود بیاید، اتفاق مثبتی است. چند روز پیش خواندم که مدرسه‌ای در رودبار با یک معلم و یک دانش‌آموز فعالیت می‌کند. مدرسه ملی فعلا، در این مقطع زمانی، هدفی بزرگ و حتی مقدس در راستای اعتلای سینماست. این حداقل چیزی است که این مدرسه دارد. فعلا مدرسه با تئوری‌هایی طرف است که می‌خواهد نمود عملی آن را نشان دهد. مدارس و آموزشکده‌های دیگر، امکانی کوچک هستند و از طرفی چون دوام آموزشگاه‌های دیگر با پولی است که به دست می‌آورد، مجبورند که محدود عمل کنند. مجبورند به پول فکر کنند. برای مثال برایشان فرقی نمی‌کند که هنرجوی جوان در چه ماه نوبسند، کارگردان یا تدوینگر می‌شود یا در هشت ماه یا بیشتر، حتی این هدف را ندارند که هنرجو را حتما به جایی برسانند. دیگر مؤسسات، نیازهای مقطعی را در آموزش سینمایی برطرف می‌کنند. امیدوارم مدرسه هدفش فراتر از اینها باشد و نیاز هنرجو و نیاز من مدرس را پاسخ دهد. حتما احساس نیاز شده که باید چنین حرکتی در سینما انجام بشود که بنابر آن مدرسه ملی با نگاهی جدید تأسیس شده.

۴ ولی مدرسه برای دوره اصلی آموزشی خود در یک بازه دوساله تعریف شده.

نوع تعریف این بازه خیلی متفاوت است. هنرجو دو سال شبانه‌روز در اختیار مدرسه است. مثل آموزشگاه‌ها نیست که چند روز در هفته کلاس دارند. این نظام استاد-شاگردی که مدرسه در پیش گرفته، ارزش بسیار زیادی دارد. به‌این‌ترتیب رابطه آموزشی استاد و شاگرد به حوزه کار و خارج از مدرسه هم کشیده می‌شود.

۴ چه ویژگی‌ای باعث شد که پیشنهاد مدیریت دبارتان فیلم‌نامه‌نویسی، مدرسه را بپذیرد؟

چند وقتی تدریس را برای خودم کم‌رنگ کرده بودم تا وقتی که پیشنهاد همکاری در مدرسه من به من داده شد. وقتی دیدم سیستم آموزشی مدرسه ملی متفاوت از دیگر جاهاست، قبول کردم. تجربه‌های دیگرم در تدریس من را راضی نمی‌کرد. نکته مثبت آموزش برایم در این سال‌ها فرصت مجدد یادگیری، یادآوری و مرور است. در

هنر

گفت‌وگو با کامبوزیا پرتوی

مشکل سینمای ما بی‌سواد ی برخی تهیه‌کنندگان است



عکس: محمد یونیزی

آموزشگاه‌ها مثلا در ۱۲ جلسه باید کار را انجام بدهی حتی اگر درست تمام نشده باشد که معمولا هم برای من در تدریس فیلم‌نامه‌نویسی این اتفاق می‌افتاد. پس از این ۱۲ جلسه با کسانی که شناخت پیدا کرده بودم و فعالیت بیشتری داشتند، خارج از آموزشگاه رابطه استاد شاگردی‌مان را ادامه داده‌ایم. این اتفاق در آموزشگاه برای همه نمی‌افتد. در دانشگاه‌ها دانشجویها، مسئول بار نمی‌آیند. شور و هیجان بچه‌ها پس از مدتی افت می‌کند. وقتی بحث نمره وسط است و دانشگاه به من استاد‌زنگ می‌زند که به فلان دانشجو نمره بدهم، معلوم می‌شود که چرا سطح آن دانشکده پایین است. اینجا در مدرسه ملی برای پذیرفتن دانشجویها سخت‌گیری شده. گذشته از بحث استاد و شاگردی و انتقال تجربه و اینها، مدرسه ملی سینما یک فرصت برابر برای همگان است. خوشحالم‌که اگر یک استعداد از فلان شهرستان داریم که وضع مالی خوبی ندارد، مدرسه به وضع مالی او نیز کمک می‌کند تا بتواند درس بخواند. آن‌هم پیش کسانی که حرفه‌ای این کار هستند. این به نظم بزرگ‌ترین امتیاز این مدرسه است.

۴ در دوره سطره سینمای دیجیتال، در دوره‌ای که به سمت حذف مدارس سینمایی، پررنگ‌شدن خودآموزی، آزمون و خطا و تجربه‌گرایی می‌رویم، به نظر شما لزوم تأسیس مدرسه چیست؟ خوشبختانه یکی از اهدافی که این مدرسه دارد، به‌رویزودن است. سعی دارد خودش را چه از نظر ابزار و چه دانش به‌روز نگه دارد و انتقال این دانش به دانشجویها به بهترین شکل انجام بشود. این هم از احساس نیازهایی است که مدرسه به خاطر رفع آنها شکل گرفته است.

۴ حوزه فیلم‌نامه‌نویسی چقدر متکی بر آموزش کلاسیک و چه اندازه سوار بر تجربه‌گرایی و آزمون و خطاست؟ تیه‌کنندگان تمایل داشت از خانه سینما خارج شود؛ چون می‌خواست از وزارت کشور مجوز بگیرد. بنده هم عضوشان بودم و کار بیشتری انجام نادم. رابطه سن با آقای هاشمی از نظر صنفی رابطه یک عضو با تشکیلات بود. درعین‌حال، من با ایشان و خیلی از مدیران صنفی داخل خانه سینما مثل آقایان بزرگ‌نام تبریزی، دوشی، دیرینه دارم. همین». این کارگردان سینما در ادامه درباره این پرسش که شما در این گفت‌وگو اظهار کردید آقای احمدی‌نژاد در آن زمان سه‌بار تذکر داده بودند که خانه سینما گشوده شود، در این‌صورت منظورن‌ان این است که موضوع شورای فرهنگ عمومی با سخنان شخصی اول قوه حرفه‌ای‌شان موقعیت شغلی مناسب کسب کرده بودند، توانستند روزگار پررونقی در سینمای ایران رقم بزنند.» کارگردان فیلم «ایستگاه مترو» که به این پرسش که علت دفاع شما از سیدضیا هاشمی که یکی از متولیان تأسیس شعبه شماره ۲ خانه سینما بود، چیست، چنین عده‌ای معتقدند شما با ایشان همراه بودید، چنین پاسخ داد: «من که نباید بگویم نیست. آنها که مدعی‌اند چنین است، باید ادله حقوقی و محکمه‌پسند بیاورند که هست! بنده شخصا هیچ نقشی در بسته‌شدن خانه سینما نداشت‌م. نه‌تنها من که هیچ‌کس در تعطیلی خانه نقش نداشت. بلکه شورای فرهنگ عمومی و معاونت وقت حقوقی وزارت ارشاد به این نتیجه رسیده بودند که براساس ادله قانونی، خانه سینما باید تعطیل شود. در آن زمان همه جامعه صنفی

شش استاد از حراج تهران گفتند

پرده خانه

«مجلسی» که باید دید

فرزانه ابراهیم‌زاده

● «من به شما می‌خدم. شما که گویا نیکید. شما نیکان همگی از صحنه‌های آینده حذف می‌شوید؛ تنها من می‌مانم که بدترینم! هیچ صحنه‌ای شما را نشان نخواهد داد به خاطر اینکهم نیکي نان. منم که در نورم و بر سکو! من به نیکي شما می‌خدم اگر مایه حذف شماست! آنها که شما را حذف می‌کنند کاری جز این نمی‌کنند که من کردم!» مجلس ضربت‌زدن بهرام بیضایی، صحنه‌هایی پر از ابن‌ملجم و خالسی از علی(ع)، صحنه‌هایی پر از اشقیا و خالی از اولیا این مجلسی است که باید روی صحنه ببینید؛ در متنی از بهرام بیضایی با اجرای محمد رحمانیان. این بخشی از نمایش مجلس ضربت‌زدن است که تصویری حقیقی از بخش نانوشته و ناخوانده‌شده تاریخ ایران و به‌خصوص تاریخ هنرهای نمایشی که کمتر کسی تلاش کرده خلاف آن حرکت کند است و بهرام بیضایی نمایش‌نامه‌نویس، کارگردان، پژوهشگر و در یک کلام هنرمند بلندآوازه ایران بر آن دست گذاشته و در قالب کلمات آن را در مجلس ضربت‌زدن تصویر کرده است؛ تصویری که درست از همین امروز – اگر اتفاق منحصربه‌فردی نیفتد- قرار است با کارگردانی محمد رحمانیان در سالن اصلی تئاتر شهر روی صحنه برود. اجرای این نمایش بی‌تردید یکی از مهم‌ترین اتفاقات تئاتر ایران نه در این روزها که در شش‌ماهه اول سال ۹۵ است و دیدن آن به‌شدت توصیه می‌شود. برای این توصیه هم دلایل خودمان را داریم که اگر با این نوشته همراه باشید می‌توانید آن را قبول یا رد کنید.

متن جسور

تردید نکند اجرای نمایش مجلس ضربت‌زدن یک اتفاق مهم در نیمه نخست سال جاری ایران است. چه اتفاقی مهم‌تر از این؛ یکی از آثار بهرام بیضایی بعد از چندین‌سال می‌تواند روی صحنه آن‌هم مهم‌ترین صحنه تئاتر حرفه‌ای ایران یعنی سالن اصلی تئاتر شهر برود. اگر دو اجرای نمایش‌نامه‌خوانی همین اثر را به کارگردانی محمد رحمانیان کنار بگذاریم، به‌جرت می‌توان گفت که از ۱۱ سال پیش تا امروز که خود بیضایی «مجلس شبیه در ذکر مصائب استاد نوید ماکان و همسرش مهندس رشخید فرشید» را روی همین صحنه به نمایش درآورد، اثر دیگری را بیضایی نه به کارگردانی خودش و نه به کارگردانی کارگردان دیگری به صحنه نیامده است. البته باز هم تکرار می‌کنم که دو مجلس نمایش‌نامه‌خوانی همین نمایش را که در سال ۹۳ روی صحنه آمد مستثنا می‌دانم. حالا بعد از چندسال از مهاجرت استاد بیضایی به استنفورد، او یک‌بار دیگر آن‌هم با مجلس ضربت‌زدن به صحنه تئاتر شهر بازمی‌گردد؛ نمایشی که برخلاف شیوه نمایش سنتی ایرانی با محوریت ضربت‌خوردن اعمال‌علی(ع) به ممنوعیت و حذف حضور اولیا روی صحنه اشاره می‌کند. این نمایش مانند بسیاری از آثار بیضایی، با شیوه نمایش در نمایش روایت گروه نمایشی را می‌گوید که قصد دارند شهادت شهید اول محراب را به صحنه بیاورند. اما آنها اجازه نمایش شماییل و شخصیت امام را ندارند و نمایششان به‌جای آنکه داستان مولای موحدین و اولین شهید محراب باشد، داستان اشقیا یعنی ابن‌ملجم و قطام می‌شود. جساتر در پرداختن به چنین موضوع مهمی که شاید مهم‌ترین چالش هنرهای نمایشی بوده و آنچنان‌که از زبان ابن‌ملجم در این نمایش گفته می‌شود، با حذف امام علی کاری می‌کنیم که او در

۱۴۰۰ سال پیش کرده بود.

اجرائی متفاوت

حتی اگر بعضی از آثار نمایشی محمد رحمانیان را دوست نداشته و نقدهای جدی به آنها داشته باشیم نمی‌توانیم این نکته را نگوییم که او یکی از بهترین کارگردانان و البته نویسندگان تئاتر حال‌حاضر ایران است که با تلاش مستمرش برای اجرای آثار دایره مخاطبان تئاتر را وسعت داده است. رحمانیان با آنکه خودش هم نمایش‌نامه اچراننده‌ای به اسم امیر را درباره زندگی امیرمؤمنان و شهادتش دارد اما بار دیگر تصمیم گرفته است با تیم بازیگری و تیم اجرائی شناخته‌شده‌ای، مجلس ضربت‌زدن را با وجود همه حساسیتی که بیضایی روی اجرای متونش دارد روی صحنه بیاورد. او همان‌طور که اشاره شد، پیش از این هم یک‌بار در سال ۹۳ این نمایش را به صورت نمایش‌نامه‌خوانی اجرا کرد؛ اجرائی که با وجود زمان و تمرین کم می‌توان گفت که کاری درخو تحسین بود. او حالا با زمان بیشتری که داشته توانسته است با تغییرات زیادی نسبت به آن اجرا، نمایش‌نامه‌خوانی با استنادن‌ده‌ای بیضایی روی صحنه بیاورد که حضورامیر جعفری به‌عنوان بازیگر نقش ابن‌ملجم با توجه به پیشینه بازیگری‌اش، یکی از این تغییرات است. اما شاید مهم‌ترین تغییر این نمایش، تغییر کاراکتر اصلی نوبسنده است. او برخلاف آنچه از متن بیضایی برمی‌آید و اجرای قبلی خود، مهتاب نصیرپور را برای نقش نویسنده انتخاب کرده است؛ انتخابی که البته بیضایی نیز آن را تأیید کرده است و خوانش متن را د چهار تغییراتی می‌کند که با توجه به شیوه بازیگری مهتاب نصیرپور می‌توان این را به‌عنوان یکی از دلایل دیدن مجلس ضربت‌خوردن به‌شمار آورد.